

بسم الله الرحمن الرحيم

چرا
مردان
دروغ می گویند
زنان
گریه می کنند؟

آلن و باربارا پیز

معصومه و رویا علیزاده

سرشناسه : پیز، آلن

Pease, Allan

عنوان و نام پدیدآور : چرا مردان دروغ می‌گویند و زنان گریه می‌کنند/ آلن و باربارا پیز؛ [ترجمه] معصومه و رویا علیزاده.

مشخصات نشر : تهران : پیک فرهنگ ، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : ۲۴۸ص: مصور ، جدول.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۲۷۹-۴۱-۲

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : عنوان اصلی: c۲۰۰۲، Why men lie and women cry

یادداشت : کتاب حاضر با عناوین مختلف توسط ناشران متفاوت در سالهای مختلف منتشر شده است.

یادداشت : چاپ سوم: ۱۳۸۸.

موضوع : روابط زن و مرد

موضوع : روابط بین‌المللی

شناسه افزوده : پیز، باربارا

شناسه افزوده : Pease, Barbara

شناسه افزوده : ۵ داده، معصومه، ۱۳۵۲، مترجم

شناسه افزوده : علیزاده رویا، ۱۳۵۴،

رده بندی کنگره : الف ۱۳۸۵ ج ۴، ۸۰۱/۱

رده بندی دیویی : ۱۵۸/۲

شماره کتابشناسی ملی : ۸۴-۳۴۱۹۹



انقلاب، فخرآزی، خیابان نظری، پلاک ۳۳

تلفن: ۶۶۴۱۰۲۰ - ۶۶۴۰۹۴۲۵ شماره: ۴۸۷۰۰۰

عنوان کتاب: چرا مردان دروغ می‌گویند و زنان گریه می‌کنند؟

تألیف: آلن و باربارا پیز

مترجم: معصومه و رویا علیزاده

ناشر: پیک فرهنگ

نوبت و سال چاپ: چهارم ۱۳۹۶

قطع و تیراژ: رقعی در تیراژ ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۲۷۹-۴۱-۲

«حق چاپ برای ناشر محفوظ است.»

۱۷۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۴.....	مقدمه
۱۵.....	بخش اول: زن زدن
۳۹.....	بخش دوم: قصه عمل مردان برای دیوانه کردن زن ها
۶۱.....	بخش سوم: زن ها را گریه می کنند
۸۳.....	بخش چهارم: ثبت اسرار از نیلی سری خانم ها
۱۰۱.....	بخش پنجم: حل و فصل هفت برصوع اسرارآمیز درمورد مردان
۱۲۳.....	بخش ششم: زن دیگر - مادر شوهر
۱۴۱.....	بخش هفتم: حرف زدن زن ها
۱۷۱.....	بخش هشتم: قدرت جذابیت زنان
۱۷۹.....	بخش نهم: جذابیت جنسی مردان
۱۸۵.....	بخش دهم: چرا مردان دروغ می گویند
۲۲۳.....	بخش یازدهم: بازنشستگی

مقدمه

یک ضرب المثل چینی می گوید:

ما لخت، م لود و گرسنه به دنیا می آییم.
بعد همه چیز را از دست می دهیم.

چرا مردها، دروغ می گویند؟ چرا همیشه احساس می کنند که درباره همه چیز حق با آنهاست. چرا آنها همیشه از تسلیم شدن اجتناب می کنند. و در مقابل،

چرا زنان برای رسیدن به هدف خود گریه می کنند؟ چرا آنها تا حد مرگ در مورد یک مطلب صحبت می کنند؟ چرا آنها در مسائل جنسی پیشقدم نیستند؟

فاصله بین زن و مرد، سوء تفاهات و برخوردها حتی در زندگی های قرن بیست و یکم، همانند برخوردها بین آدم و حوا در بدو خلقت است.

در سه دهه تحقیقات در مورد اختلافات بین مردان و زنان، با

بررسی تجربیات فراوان، دیدن فیلم‌های گوناگون، نوشتن کتاب‌ها، صحبت در تلویزیون و تبادل اطلاعات در کنفرانس‌ها، با ده‌ها هزار سؤال در مورد اینکه چرا مردها و زن‌ها روش رفتاری خاصی دارند مواجه بودیم. نامه‌ها و تلفن‌ها و ای میل‌ها تماماً از افرادی که به نوعی از اعمال جنس مخالف پریشان و از حل مسائل درمانده بودند به دست ما می‌رسید که منجر به تألیف کتاب «چرا مردان دروغ می‌گویند و زن‌ها گریه می‌کنند» شد. در این کتاب چهل نوع از اساسی‌ترین سوالات خوانندگان و شنوندگان از اقصای نقاط عالم را با استفاده از تجربیات محققان، بررسی‌ها و آخرین مطالعات علوم موجود پاسخ دادیم. سپس در فصل‌های عملی موفق در برابر جنس مخالف را ارائه کردیم.

«چرا مردها دروغ می‌گویند و زن‌ها گریه می‌کنند» سؤالاتی را که زن‌ها در ساعت ۱ بامداد یک‌شنبه از خود می‌کنند بررسی می‌کند. سؤالاتی مانند: «چرا مردها چشم چرانی می‌کنند؟ چرا آنها به ما می‌گویند چه کار بکنیم و چه کار نکنیم؟ چگونه فکر کنیم؟ چرا مردها ساعت ۱۰ صبح یکشنبه در حالیکه تنها یک زن و یک همسرشان هستند، از خواب برمی‌خیزند و با کسی حرف نمی‌زنند؟» نیز به سؤالاتی که مردها در مورد زن‌ها دارند جواب می‌دهد؛ مانند: «چرا زن‌ها مسائل را درک نمی‌کنند؟»، «چرا آنها عیبجویی می‌کنند؟»، «چرا من باید ساعت ۱۰ صبح یکشنبه دنبال جوراب‌هایم بگردم؟»

**نگرانی یک زن درباره آینده تا پیدا کردن شوهر است
یک مرد تا انتخاب همسر، هیچ نگرانی از آینده ندارد.**

اکنون علوم مختلف علت پرحرفی زن‌ها، حاشیه‌گویی آنها، اشتیاق به کسب اطلاعات تا جزئی‌ترین مسائل اطرافیان و عدم

پیشدستی آنها در امور جنسی را مورد بررسی قرار می‌دهد. حال می‌دانیم بنا به دلایل تکاملی و زیست‌شناسی است که مردها در یک زمان فقط می‌توانند یک کار را انجام دهند، از خرید بدشان می‌آید، از کسی راهنمایی نمی‌خواهند، بندرت درباره زندگی خصوصی دوستانشان اطلاعات دارند، و برعکس دوست دارند تمام مدت آخر هفته را در آرامش به ماهیگیری بگذرانند.

کتاب «چرا مردها دروغ می‌گویند و زنها گریه می‌کنند» از طرق مختلف و سائل مهمی را که اغلب مردم در آرزوی رسیدن به پاسخ آن هستند مورد بحث قرار می‌دهد.

شاید توجه کنید که بسیاری از زنانها اصرار عجیبی برای آزمایش یا خرید بالون، ای تزئینی و یا تغییر اثاثیه منزل برای راحتی و آسایش مردها در آخر شب دارند. آیا دقت کرده‌اید که تعداد کمی از خانمها درک لذت تماشای تکراری یک مسابقه ورزشی را دارند، در حالیکه آقایان اشتیاقی برای تماشای مسابقات فوتبال و آن را امر مهمی تلقی نمی‌کنند.

چرا کار مردها و زن‌ها این قدر سخت است؟

مرد بودن در این زمان خیلی سخت شده است. در سال ۱۹۶۰ که طرفداران زن‌ها پرسروصدا و موفق بودند، خودکشی زن‌ها ۳۴٪ کاهش و خودکشی مردها ۱۶٪ افزایش یافت. با این حال امروز حسابیت به سختی کار زنان مورد توجه بود.

در اواخر قرن بیستم، زمانی که زن‌ها آزادی‌هایی بدست آوردند و اغلب مردها را به چشم دشمن نگاه می‌کردند، روابط خانوادگی دچار مشکلات شدیدی شد. زن‌ها عصبانی و مردها گیج و مبهوت شده بودند. نقش مردان نسبت به نسل‌های پیشین محدودتر شده بود. قبلاً، مرد رئیس و نان‌آور اصلی خانواده محسوب می‌شد، گفته‌او

قانون و تصمیمش برزده و قاطع بود. او محافظ و تأمین کننده احتیاجات خانواده به حساب می آمد و همسراو، مادر، حافظ خانه و کدبانو، همدم و حامی اجتماعی شوهر بود. مرد به وظایف خود آگاه و همسرش نیز به مسئولیت های خود آشنا بوده و به درستی عمل میکرد و زندگی به سادگی می گذشت. اما ناگهان همه چیز تغییر کرد. برنامه های تلویزیونی و تبلیغات، زن ها را سطح بالا و باهوش و در مقابل، مردها را افرادی کم عقل و ناشایست جلوه دادند. لذا زن ها بیش از پیش مدعی برابری با مردها شدند. مشکل این بود که ظاهراً زن ها می دانستند چکار می کنند و چه می خواهند و کجا می خواهند بروند، در حال آن مردان احساس عقب افتادگی می کردند.

اگر زنی در مراسم به صورت مردی سیلی می زد،
همه فکر می کردند که قتماً آن مرد مرتکب خطایی
شده است.

اغلب بنظر می رسید که مردها فریب را درک نمی کنند. بعنوان مثال، اگر خانمی درباره نابرابری صحبت می کرد احساسات همگان جلب می شد، در حالیکه از صحبت های مردها احساس تنفر از زن استنباط می شد. جوک های اهانت آمیز به آقایان ده بیست ساله ها بود. گفته های متداول آن زمان چنین بود: تمام مشکلات خانم ها را آقایان سرچشمه می گیرد. امراض زنانه خانم ها در اثر برخورد نامناسب مردهاست. و آخرین مطلب در مورد مردها: مرد یعنی عاملی برای نگاهداری مسائل جنسی. مردها در مواجهه با چنین مطالبی که آن را خصومت آشکاری بر علیه خود تلقی می کردند روز به روز افسرده تر می شدند. مردها اعم از جوان و پیر، بالاترین میزان خودکشی را داشتند و ژاپنی ها در مقام اول جهانی بودند. مردها خصوصیات

شفلی خود را در جامعه از دست داده و عملاً در جامعه نقشی بازی نمی‌کردند. در این میان زن‌ها هم شرایط خوبی نداشتند. جنبش آزادی زن‌ها به منظور از بین بردن نابرابری در مقابل مردها شروع شد و قول رهایی زن‌ها از ظرفشوئی آشپزخانه را می‌داد. امروزه در غرب حدود ۵۰٪ زن‌ها با رضایت و یا بدون رضایت به کار مشغولند. در انگلستان از هر ۵ خانواده یکی بوسیله زنان تنها اداره می‌شود و که این نسبت برای مردان تنها یک به ۵۰ است. این زن‌ها، نقش پدر و مادر و حامی خانواده را با هم ایفا می‌کنند. امروزه زن‌ها با زخم معده، حمله قلبی و بیماری مای اسباب دست و پنجه نرم می‌کنند، در صورتی که قبلاً بیشتر این امر مربوط به مردان بود.

۴ الی ۵٪ دانش‌جویان زن مبتلا به امراض خونی هستند در صورتی که در مردها این میزان یک به سیست است

به احتمال زیاد تا سال ۲۰۲۰ حدود ۲۵٪ زن‌ها در ممالک غربی برای همیشه مجرد زندگی خواهند کرد. این میزان غربی و این مشکل کاملاً با اصل بیولوژیکی و تمایلات انسان متضاد است. زن‌ها در این زمان بیش از حد لازم کار می‌کنند و اغلب عصبانی هستند. همین دلیل روز به روز به تعداد زنان مجرد افزوده می‌شود. از نظر مردها تنها خواسته زنان از آنها این است که همانند یک زن فکر کنند. همه در این دنیای مدرن گیج شده‌اند. این کتاب در روابط گیج‌کننده کنونی به شما کمک خواهد کرد تا از حرکت‌های اشتباه، پیچ‌های دشوار و پایان مرگبار پرهیز کنید.

چرا مردها و زن‌ها مشکلات فراوانی دارند؟

ساختار آفرینش زن‌ها بر مبنای مراقبت از بچه‌ها و رسیدگی به امور منزل بوده و ذهنیت آنها به طور طبیعی آماده پرورش و محبت و مواظبت از دیگران است. در مقابل، مردها وظایف جداگانه‌ای دارند. آنها شکارچی، تعقیب کننده، محافظ و تأمین کننده نیازها و حلال مشکلات بوده‌اند. به نظر می‌رسد که مغز مردها و زن‌ها برای انجام کارهای متفاوت برنامه‌ریزی شده‌است. مطالعات علمی و اسکن‌های پی‌رفته از مغز این مطلب را ثابت می‌کند. اغلب کتاب‌های روابط انسانی نوشته زنان نوشته شده و هشتاد درصد خریداران کتاب‌ها هم زنان هستند. اغلب این کتاب‌ها بر اعمال مردها متمرکز شده و اشتباهات از ما را مشخص کرده و راه حل‌های اصلاحی را ارائه می‌دهد. اغلب ماوران و روانشناسان هم زن هستند.

بدون هیچ جانبداری، به نظر می‌رسد که زنان بیش از مردان به حفظ روابط اهمیت می‌دهند. در بیشتر موارد این امر صادق است. مفهوم تمرکز بر یک رابطه و تفکر در رسیدن اولویت‌ها، بخش طبیعی روان یک مرد نیست. اغلب مردها به علت پیچیدگی رفتار زنان، در مورد روابط زناشویی مطالعه نمی‌کنند و به تدریج از رسیدن به یک نتیجه مأیوس کننده آن را رها می‌کنند. اما واقعیت این است که مردها نیز خواهان روابط خوب، سالم و موفقیت‌آمیز با زن‌ها هستند. زن‌ها اغلب بر این باورند که وقتی مرد آنها را دوست دارد، حتماً باید درکشان هم بکند، ولی اغلب چنین مردی پیدا نمی‌شود.

زنی که مردی را کاملاً بشناسد می‌تواند همه
مردان را درک کند.
در مقابل ممکن است مردی تمام زنان را
بشناسد ولی نمی‌تواند یکی از آنها را درک کند.

ما تنها موجوداتی هستیم که همیشه برای زوج‌یابی، معاشرت و برقراری روابط مشکل داریم، برای سایر موجودات این مسائل حل شده‌اند. حتی عنکبوت سمی و آخوندک که جنس ماده بعد از جفت‌گیری نر می‌کشد به روابط خود کاملاً آشنا هستند.

برای مثال، هسته - بیوانی ساده با مغزی کوچک است هرگز درباره روابط نر و مادگی با جفتش بحث نمی‌کند. در زمان معین وقتی که ماده آماده جفت‌گیری می‌شود، نر، او را اطراف او بازوان خود را به حرکت درمی‌آوردن ماده یکی از آن را انتخاب و چراغ سبز نشان می‌دهد. اما هشت پای ماده هرگز بسرنخ را به بی‌توجهی متهم نمی‌کند و از بی‌توجهی ناراحت نمی‌شود. اطرافان هرگز در امور آنها دخالت نمی‌کنند. هشت پای مؤنث نگران چانه‌شان نیست.

اما در انسان‌ها زن‌ها مردان احساساتی را بی‌حرکت دارند. ولی مردها توجه زیادی به احساسات خود در مقابل زن ندارند و رفتاری خشن و مردانه نشان می‌دهند. با خواندن این کتاب زن‌ها با خواسته‌های مردها آشنا می‌شوند و باید سعی کنند آنها را برآورده کنند. اگر کلمات «روابط» و «سکس» را در اینترنت وارد کنید خواهید دید که فقط به زبان انگلیسی ۳۶۷۱۴ مطلب برای بهبود روابط بین زن و شوهر به شما ارائه می‌شود.

ما به هر حال در مورد چگونگی تأمین خواسته‌های جنس مخالف و ایجاد یک زندگی خوب و راحت و خوش به نتایج مثبتی رسیدیم.

گشتی در جهان

کتاب «چرا مردها دروغ می‌گویند و زن‌ها گریه می‌کنند» قدم بعدی در روابط بین زوجین است که در کتاب «چرا مردها گوش نمی‌دهند و زن‌ها نقشه خوانی بلد نیستند» ارائه شده است. این کتاب بسیاری از مطالبی را که در زندگی با آنها مواجه هستیم ولی توجهی به آنها نداریم مورد بحث قرار می‌دهد. برای نوشتن این کتاب به بیش از ۳۰ کشور جهان مسافرت کرده و اطلاعات و نتیجه تحقیقاتمان را در مورد روابط زوجین جمع‌آوری کردیم. در این کتاب مشکلات روابط زوجین مالی مختلف را مورد بررسی قرار داده و راه حل‌های عملی برای آنها پیدا کردیم. البته مطالب این کتاب ممکن است کاملاً در مورد تمام ملل یا زیرتیم‌ها بطور کامل صدق نکند، اما آورده‌های این کتاب همه سابق خود و اکثراً در مورد همه صدق می‌کند اگر شما در مورد جنس مخالف، عادات، عادات، عادات داشته باشید مطمئناً زندگی بسیار خوب و شادی خواهید داشت. برای مثال در انگلستان در ۴ سال اول زندگی مشترک آمار طلاق بیش از ۵۰٪ است و اگر تعداد افرادی را که اصلاً به مرحله ازدواج نمی‌رسند به این اضافه کنید خواهید دید ۶۰٪ الی ۸۰٪ افراد از زندگی زناشویی بی‌بهره‌اند.

صد درصد طلاق‌ها با ازدواج شروع می‌شود

این کتاب به شما کمک می‌کند تا از مصیبت و حشتناک طلاق جلوگیری کنید و برای بهبود روابط خود با طرف مقابل، اعم از پسر، دختر، مادر، پدر، پدر و مادر همسران، دوستان و همسایه قدم بردارید.

یادگیری زبان دوم

برای موفقیت در زندگی با جنس مخالف شما به دو زبان مختلف نیاز دارید: زبان مردها و زبان زن‌ها. اگر می‌توانید فقط انگلیسی صحبت کنید و به فرانسه مسافرتی داشته باشید برای سفارش غذا دچار مشکل خواهید شد. اگر فقط بتوانید فرانسه صحبت کنید در انگلستان همین مشکل را خواهید داشت با خرید یک کتاب ترجمه یا مکالمه می‌توانید این مشکل را تا حدودی حل کنید و کارهای ضروری خود را انجام دهید. هرچه به زبان کشور بیگانه مسلط باشید همان قدر با مردم آنجا می‌توانید ارتباط برقرار کنید و در کارتان موفق باشید.

آیا من باید تغییر جنسیت دهم؟

مردم اغلب از ما می‌پرسند: به نظر شما ما باید همانند جنس مخالف فکر، صحبت و عمل کنیم؟ جواب: مطلقاً نه است. وقتی که شما یک گوشی همراه می‌خرید، حتماً یک دفترچه راهنما به شما داده می‌شود. با مطالعه دفترچه با طرز کار آن آشنا شده و به نحو احسن از آن استفاده می‌کنید. لذت می‌برید. اما هرگز شرکت سازنده را متهم نمی‌کنید که قصد دارد شما را تعمیرکار تلفن همراه کند. و این کتاب یک دفترچه راهنما برای شماست که بتوانید خود را به جنس مخالف را بشناسید و دکه‌ای را که در رسیدن به هدف شما کمک می‌کند فشار دهید.

وقتی که زن و مرد به افکار و خواسته‌های همدیگر شناخت پیدا کنند همدیگر را بهتر درک کرده و خواسته‌های یکدیگر را بهتر برآورده می‌کنند.

تجربه اول - ما نویسندگان این کتاب زوجی خوشبخت، عاشقی فداکار و بهترین دوستان همدیگر هستیم و در این کتاب تجربیات

شخصی خود را نیز در روابط زناشویی مدنظر قرار داده و از نقاط مختلف، روابطمان را مورد بررسی قرار دادیم و امید داریم که به دور از تعصب باشد. نگارش و تحقیقات انجام شده برای این کتاب ما را در بهبود روابطمان با همدیگر، برادران، خواهران، عمه‌ها و خاله‌ها، همکاران و همسایگان کمک کرده است.

چگونه این کتاب را هدیه بدهیم

در پی اهمیت آخرین کتاب ما (چرا مردها گوش نمی‌دهند و زن‌ها توانایی تنه زنی ندارند) (فروش شش میلیون نسخه و ترجمه به ۳۳ زبان دنیا) ته‌آیدی از مردها ما را متهم به طرفداری از زن‌ها کرده و ادعا می‌کنند که زندگی را برای آنها سخت کرده‌ایم. آنها معتقد بودند که زن‌ها با خواندن این کتاب دائم مردها طعنه می‌زند و می‌گویند «این کتاب به درد شما می‌خورد، ببینید آآن و یاریا را درباره شما چه گفته‌اند». وقتی زنی به زن دیگر خوانان کتاب و استفاده از مطالب آن را توصیه می‌کند آن زن بسیار خوشحال و شاد و بی‌درد و زنی که مردی خواندن کتابی در مورد روابط زناشویی را توصیه کند او حتی عصبانی شده و آن را نوعی توهین تلقی می‌کند.

اگر شما مردی از اقلیت افرادی هستید که می‌خواهید در مورد رفتار خانم‌ها مطالعه کنید به شما تبریک می‌گویم. اگر زن هستید بهتر است نظر شوهرتان را درباره این کتاب بخواهید. چون مردان دوست دارند نظر بدهند. بهتر است این کتاب را روی میز شوهرتان بگذارید و یا او را به یکی از سخنرانی‌هایی که در مورد این کتاب است ببرید.

نتیجه

می‌گویند که مرد بودن یک امتیاز است، زیرا مکانیک به شما حقایق را می‌گوید، چین و چروک صورتتان به شما شخصیت می‌دهد و برای هر نیم‌جین لباس زیرتان ۴/۹۵ پوند هزینه می‌کنید. موقع صحبت با دیگران به سینه شما نگاه نمی‌کنند و برای مرتب کردن لباستان اتاق را ترک نمی‌کنید و می‌گویند که زن بودن یک امتیاز است، تا کسی‌ها بیشتر برای خانم‌ها نگه می‌دارند و در ادارات زنان را راحت‌تر استخدام می‌کنند.

شاید روزی مردها و زنها مثل هم باشند. شاید زنها از تماشای اتومبیل‌رانی لذت ببرند، و مردها از تماشای یک ورزش لذت ببرند. شاید روزی خانم‌ها وسط نیمه‌ها حرف نزنند و مردان از مطالب علمی مجلات استفاده کنند. البته آن مسائل تا هزاران سال دیگر حل نخواهند شد. با این حال ما سعی می‌کنیم کاری کنیم که شما همدیگر را بهتر درک کنید. پس دوست بداریم تا دوستی داشته باشیم.

از خواندن کتاب لذت ببر